



چکیده

آنچه که باعث مانایی^۱ و ارزشمند گردیدن آثار معماری تمدن‌ها گردیده و به عنوان معیاری به منظور سنجش میزان اعتبار^۲ و جایگاه فضای ساخته شده بدست انسان مطرح میگردد، درجه توجه به جنبه‌های فرامادی^۳ و غیر ملموس در خلق یک معماری است. معماری به عنوان هنری که دارای بیشترین ارتباط با ابعاد عملکردی انسان می‌باشد، همواره حرکتی بر روی لبه تیغ داشته، بطوریکه تمایل به هریک از عرصه‌های هنری یا عملکردی،^۴ بیم دور افتادن از جنبه دیگر را به دنبال داشته است. در این میان آن دسته از آثار معماری که ضمن پاسخگویی به عملکرد مورد نظر، دارای پیام و محتوایی فراتر از کاربرد معمول خویش بوده‌اند، به مراتب ارزش بالاتری داشته و باعث ارضای تمایلات معنوی انسان‌های مخاطب خود نیز می‌گردند. آنچه که این مقاله قصد پرداختن بدان را دارد میزان آرا و عقاید نابغه شرق، ابوعلی سینا،^۵ بر روی طراحی معماری^۶ فضای آرامگاه وی می‌باشد. بدیهی است که بازشناسی ایده‌های طراح فضای معماری این آرامگاه که در خلق این فضا بکار رفته است، ضمن روشن ساختن ابعاد جدیدی از این فضا که تا کنون مهجور مانده، ارزش این بنای تاریخی را دوچندان می‌نماید.

کلید واژه‌ها: بوعلی سینا، معماری، آرامگاه

¹ Eternity.

² -Credit

³ - Spiritual

⁴ - Functional

⁵ -Avicenna

⁶ -Architectural Design.

تاریخچه

در سوم صفر سال ۳۷۳ هجری قمری در روستای افشنه از توابع خرمین بخارا، کودکی به نام حسین از پدر و مادری ایرانی به نام عبدالله و ستاره متولد گردید که در طی عمر نسبتاً کوتاهش که حدود نیم قرن می‌باشد در عرصه علم و معرفت به جایگاهی رسید که تا آن زمان کمتر کسی بدانجا رسیده بود. حسین بن عبدالله که بعدها به دلیل نام فرزندش علی و کنیه یکی از اجدادش سینا به ابوعلی سینا مشهور گردید در سنین کودکی و نوجوانی در زادگاه خویش بخارا به تعلیم علوم زمانه پرداخت به طوریکه در اوان جوانی در رشته‌های گوناگونی همچون طب، فلسفه، ریاضیات و نجوم سرآمد زمانه خویش گردید او در ۲۲ سالگی از بخارا به گرگانج، پایتخت پروتق دولت خوارزمشاهیان، کوچید و مدتی در آنجا بود، سپس به ری رفت و در آنجا مورد تمجید و تکریم مجدالدوله، حاکم ری، و مادر او قرار گرفت. در جریان تهاجم سلطان محمود غزنوی به ری، وی از طریق قزوین به همدان رفت و در این شهر ماندگار شد و سرانجام در روز جمعه اول ماه رمضان سال ۴۲۷ هجری قمری به بیماری قولنج از دنیا رفت. روایت می‌کنند در آخرین روزهای زندگی‌اش پس از وقوف به اینکه این بار از دست بیماری خود رهایی نمی‌یابد، چندین بار به ختم قرآن پرداخت و در حال احتضار چنین سرود:

تا باده عشق در قدح ریخته‌اند
واندر پس عشق، عاشق انگیزته‌اند

با جان و روان بوعلی، مهر علی
چون شیر و شکر به هم در آمیخته‌اند

پس از وفات بوعلی، پیکر وی در خانه ملازم و رفیق وی ابوسعید دخدوک به خاک سپرده می‌شود، جاییکه بعدها ابوسعید نیز در آنجا آرام می‌گیرد. مقبره بوعلی تا دوران قاجاریه تقریباً به همان صورت با تغییراتی مختصر باقی می‌ماند تا آنکه یکی از شاهزادگان قاجار به نام نگار خانم که دختر عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه قاجار، بوده به دنبال فرسایش و رو به ایرانی نهادن این بنا درصدد تعمیر آن برآمده و با مرمت چهار دیواری مقبره، اقدام به احداث گنبدی آجری به روی سقف آن می‌نماید.

آرامگاه جدید

در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی انجمن مفاخر فرهنگی ایران که در آن زمان به نام انجمن آثار ملی خوانده می‌شد، به مناسبت تقارن با هزارمین سال تولد ابن سینا مصمم به تجدید بنای آرامگاه^۱ وی می‌گردد، بنایی که در خور شأن والای این فیلسوف و مقام علمی- فلسفی وی باشد. انجمن آثار ملی جهت تهیه طرح معماری این آرامگاه مسابقه‌ای ترتیب می‌دهد که از بین طرح‌های پیشنهادی، طرح مهندس هوشنگ سیحون به عنوان طرح برگزیده اعلام و ساخت این آرامگاه نیز به وی محول می‌گردد.

هوشنگ سیحون در آن زمان یکی از چهره‌های شناخته شده و مطرح موج نوین معماری معاصر ایران به حساب می‌آمد. او که در تابستان سال ۱۲۹۹ هجری شمسی در خانواده‌ای هنردوست به دنیا آمده بود پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل معماری می‌پردازد و پس از اتمام این دوره موفق به دریافت بورس تحصیلی گردید و در مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس^۲ تحصیلات خود را ادامه داده و نبوغ خویش را عیان می‌سازد. در پایان این دوره او پروژه پایانی خود را در قالب طراحی آرامگاه بوعلی سینا ارائه می‌دارد، همان طرحی که بعدها با مشاورت و نظارت آندره گدار (معمار و باستان‌شناس شهیر فرانسوی و مدیر وقت موزه باستان‌شناسی) و محسن فروغی (رئیس وقت دانشکده هنرهای زیبا و استاد برجسته معماری) به انجمن آثار ملی ارائه و برگزیده می‌گردد.

ویژگی‌های شاخص و قابل توجه این طرح که آنرا از سایر پیشنهادات متمایز می‌گرداند از درایت طراح و به کارگیری آگاهانه عناصر معماری او به منظور خلق فضایی واجد ارزش حکایت دارد. توجه خاص سیحون به طراحی فضای معماری و پیوند دادن آن با محتوا و مفاهیم مرتبط با فعالیتی که در فضا انجام می‌پذیرد، ارزشهای معماری او را آشکار می‌سازد. موفقیت او در طراحی و اجرای استادانه آرامگاه بوعلی، زمینه‌ساز ارجاع پروژه‌های مشابهی چون آرامگاه نادرشاه افشار (۱۹۵۸)، مقبره حکیم عمر خیام (۱۹۸۲)، مقبره کمال الملک و ... به او می‌گردد.

^۱ - Mausoleum.

^۲ - School of fine art

سیحون در طراحی مجموعه آرامگاه بوعلی سینا به دو صورت شکلی^۱ و مفهومی^۲ تأثیر پذیری فضای معمارانه را از احوال و عقاید بوعلی به نمایش می‌گذارد. او در آغاز، ایده کلی و خمیر مایه طرح خویش را از قدیمی‌ترین بنای تاریخدار اسلامی یعنی گنبد قابوس می‌گیرد. در شرح اهمیت این بنا، ذکر همین نکته کافی است که در یورش مغولان به ایران، هرآنچه از مظاهر آبادانی و تمدن که در مسیر یورش این قوم بیابانگرد قرار می‌گیرد در چشم به هم زدنی به تلی از خاکستر مبدل می‌گردد. اما آنجا که ایلغار بنیانکن مغول به پای بنای مرتفع و معظم گنبد قابوس می‌رسد، عظمت و زیبایی موزون این بنا آنها را از تخریب آن منصرف می‌گرداند و برین می‌گردند که آنرا به عنوان سمبلی از آنچه که تخریب نموده‌اند برای آیندگان باقی گذارند. آرتور پوپ در کتاب معظم معماری ایران چنین می‌گوید: «قابوس مرد خارق‌العاده‌ای بود که به تناوب از سال ۹۷۶ میلادی تا حوالی ۱۰۱۲ میلادی بر گرگان فرمان راند، او عالم و حامی علما، شاعر و حامی شعرا، خوشنویس، منجم، زبان‌شناس، شطرنج باز، جنگاوری دلیر و در عین حال بدگمان بود و سرانجام بدست بزرگان خشمگین کشته شد... تمامی این خصوصیات در طرح این بنا [گنبد قابوس] به خوبی نمایش داده شده است. قدرت آن در بلندی زیاد تنهایی سوت و کورش در ترکیب ناب حجم ساده و شکل نیرومند نهفته، که راه را بر هر بحث و گفتگو یا اشتباهی می‌بندد. بنا کاملاً لخت است، مانند جنگجویی در مبارزه با سرنوشت و آنچه‌ان که بود شهریار شاعری در کشمکش با ابدیت. این بنا با وقار و سهمگینی‌اش نمایشی است از مرگ و شکست مرگ. آیا هیچ آرامگاهی به این گویایی و چنین گیرایی وجود دارد».

با این توضیح دلیل انتخاب این بنا از سوی سیحون با توجه به معاصر بودن آن با زمان زندگی شیخ‌الرئیس واضح می‌گردد. هنر و درک آگاهانه سیحون موجب می‌گردد که او ارتفاع بسیار چشمگیر گنبد قابوس را که حدود ۵۵ متر می‌باشد در آرامگاه بوعلی سینا به نصف تقلیل دهد. بطوریکه ارتفاع رأس برج نسبت به کف معابر مجاور در حدود ۲۸/۵ متر می‌گردد. این کاهش ارتفاع به دلیل قرارگیری در میان یک بافت نسبتاً متراکم شهری و تناسب یافتن با مخروط دید^۳ ناظرین نشان از توجه طراح به موقعیت شهری و چشم‌انداز مناسب این بنا دارد به طوریکه

¹ Formal.

² -Conceptual

³ Cone of Vision.

اگر اکنون به جای برج فعلی، برجی با ارتفاع ۵۵ متر قرار داشت، ناظرین از معابر مجاور به سهولت قادر به رؤیت کلیت بنا نبودند.

تأثیر پذیری شکلی

رفعت مقام بوعلی در بین علما و دانشمندان ایرانی مسئله‌ای انکار ناپذیر است بطوریکه به سختی می‌توان شخصی را همپای او در شاخه‌های متنوع علوم یافت. این مسئله با تفاوت چشمگیر ارتفاع برج مقبره نسبت به ابنیه مجاور به نمایش درآمده است. لازم به ذکر است که در زمان احداث این مقبره، بافت مسکونی نسبتاً کم ارتفاعی در پیرامون آن قرار داشته و پس از این مجموعه میدان بیضوی شکلی در پیرامون آن شکل گرفته و خیابانهای اصلی شهر با شکافتن بافت مسکونی موجود از این میدان می‌گذرد. صلابت و استواری اندیشه بوعلی در قالب مصالح به کار رفته شده در ساخت بدنه اصلی مقبره و ترکهای برج به چشم می‌آید. سنگ خاراى الوند که به صورت تراشیده و بافتی خشن، نمای خارجی مقبره را پوشش می‌دهد در کنار پره‌های منظم و شکیل بتنی برج تمثیلی از قدرت اراده و استواری تفکر بوعلی به حساب می‌آید.

ده ستون حجیم سنگی که در ایوان ورودی اصلی واقع گردیده سمبلی از گذشت ده قرن از تولد بوعلی به حساب می‌آید. پره‌های دوازده گانه برج واقع شده به روی بام فوقانی ضمن آنکه به منظور کاهش تأثیرات بادهای نسبتاً شدید منطقه همدان از یکدیگر فاصله یافته و برخلاف ترکهای گنبد قابوس بین آنها پرنگریده است، با عبور از لایه‌های سقف به داخل فضای اصلی مقبره امتداد یافته و به روی محیط یک دایره حریم مزار^۱ شیخ را از فضای پیرامون مجزا می‌نماید. اختلاف سطح مزار به همراه تأثیر این فرم مدور باعث شکل‌گیری رواقی^۲ پیرامون مزار گردیده که ناخودآگاه زائرین را به طواف حول آن دعوت می‌دارد. به راستی چرا ترکهای دهگانه گنبد قابوس در اینجا دوازده عدد می‌گردد.

^۱ - Grave

^۲ - Porch

آیا شیعه دوازده امامی بودن بوعلی با زبانی استعاری در این پره‌ها به تصویر کشیده شده است یا صرفاً جنبه‌های نمادین عدد ۱۲ چون دوازده بخش یک روز، دوازده ماه یکسال و یا سالهای دوازده گانه و موضوعاتی از این دست الهام‌بخش طراح در این انتخاب به شمار می‌آید؟

تأثیر پذیری مفهومی

در بعد مفهومی از دیدگاه‌های متفاوتی مجموعه آرامگاه بوعلی سینا قابل بررسی است. سیحون عناصر تشکیل‌دهنده معماری این آرامگاه را از تمدن‌های مختلف اقتباس می‌نماید. ایوانهای ستوندار معماری‌های ایرانی، معماری مصطبه‌ای^۱ مقابر مصری، باغهای معلق در زیگوراتهای بین‌النهرین، محوطه سازی و استقرار هندسی باغچه‌ها نیز یادآور باغهای اسلامی است. استقرار آبناها و مسیرهای حرکت آب در محور میانی فضاهای تردد ناخودآگاه تصاویر آشنایی از فضاهایی همچون باغ شازده ماهان و باغ فین‌کاشان را در ذهن تداعی می‌نماید، حوض‌های مطبق، آبناهای منحنی‌شکل و ستون‌سازی‌های هندسی از جمله مواردی هستند که معماری این آرامگاه را با شیوه معماری‌های اروپایی همچون رم و یونان پیوند می‌دهد. کنار هم قرار دادن عناصر معماری ملل گوناگون در یک مجموعه، استعاره‌ای از شخصیت فراملی و جهانی بوعلی به حساب می‌آید. بوعلی علی‌رغم آنکه مسلمانی ایرانی بود از دروازه‌های تاریخ و جغرافیا گذشت به طوریکه کمتر ملتی را بتوان یافت که با آثار و افکار او بیگانه باشد.

ماورایی بودن و روبه سوی بالا داشتن شیخ‌الرئیس نیز از دیگر جنبه‌های مفهومی به کار گرفته شده در طراحی فضای آرامگاه اوست. تناسبات عمومی برج واقع شده به روی مزار ناخودآگاه نگاه را به سمت بالا هدایت می‌کند. به طوریکه گویی اشاره به جایگاه فرازمینی و آسمانی فیلسوف دارد. با دقت در نمای غربی، استقرار آگاهانه دو مسیر پیاده شیب‌دار که به صورت متقارنی از حیاط محوطه آغاز گردیده و به سمت بام به حرکت در می‌آیند؛ برج را در محور آنان می‌توان ملاحظه کرد به طوریکه گویی تداوم حرکت این رامپها با برج دنبال گردیده و حرکتی را که از خاک آغاز گردیده به افلاک گره می‌زند. آیا این اشکال می‌تواند مفهومی جز رو به سوی بالا

^۱ Plat form

داشتن، کمال گرایی و تعالی یافتن بوعلی را بیان دارند؟ در نماهای شمالی و جنوبی که نما از طول کوتاهتری برخوردار است از چنین اشارتی خبری نیست. اما نماهای شرقی و غربی که دارای اولویتهای اول و دوم در بین چهار نما می‌باشند به طور صریح‌تری افکار طراح را در این مقوله به نمایش می‌گذارند.

از دیگر نکات قابل ملاحظه در طراحی فضای معماری آرامگاه شیخ‌الرئیس، وحدت بخشیدن^۱ به مجموعه‌ای کثیر از اشکال، فرمها، مصالح و فضاهای ساختمانی است. در این مجموعه از انواع و اقسام فرمهای هندسی استفاده گردیده است. خطوط مستقیم، شکسته و منحنی، علی‌الرغم تضاد مفهومی خویش با یکدیگر در این مجموعه از در آشتی با یکدیگر درآمده‌اند؛ به طوری که حوضها و ستونهای مدور در تعارض با هندسه راستگوشه فضاها قرار نمی‌گیرند. از دیگر سو فرمهای به کار گرفته شده در بخشهای مختلف مجموعه بعضاً مشابه یکدیگر بوده و این تشابه، تمایز مصالح بوجود آورنده آنها را تحت پوشش قرار می‌دهند. فرمهای ضربدری نرده‌های فلزی پیرامون محوطه با همان تناسب اما از مصالح سنگ خارا به روی پنجره تالارهای موزه و کتابخانه قرار می‌گیرد. فرمهای پیچدار لوسترهای فلزی معلق در فضاهای مختلف مجموعه عیناً به روی درها و قفسه‌های کتابخانه اما این بار از چوب تکرار گردیده است. پیشانی ایوان سنگی نیز دارای فرمی است که در قاب سازی درهای داخلی مجموعه مجدداً جلوه‌گر می‌گردد. حتی فرمهای هرمی شکل روی صندوقچه فلزی زیر برج را که در بام فوقانی قرار گرفته می‌توان به روی درهای چوبی اصلی که در نماهای شرقی و غربی واقع شده مجدداً یافت. در مجموع رعایت تشابه اشکال و فرمهای بکار گرفته شده در عناصر و اجزای معماری این فضا باعث می‌گردد که با چشم پوشی از تکثرها و تعددها، مجموعه‌ای واحد و جامع را نظاره‌گر باشیم. بحث وحدت بخشیدن به مجموعه‌ای کثیر که در فلسفه و ادبیات ما نیز به چشم می‌آید در اینجا هم از سوی سیحون، به منظور ارائه استعاره‌ای از شخصیت واحد و یکپارچه بوعلی، علی‌رغم ابعاد متنوع و کثیر علمی، فلسفی، تاریخی و مذهبی او در نظر گرفته شده است همانگونه که ابن سینا به عنوان دانشمندی کبیر در اذهان نقش بسته است این بنا نیز با چشم‌پوشی از تکثرها و تعددهای گوناگونش مجموعه‌ای یکپارچه و ارزشمند به حساب می‌آید.

^۱ -Unity

جدال دائمی بین جهل و آگاهی که تمثیل آن در ادبیات و عرفان ایرانی با نور و ظلمت بیان گردیده است نیز با توجه به شخصیت علم پژوه بوعلی سینا در جای جای این بنا از سوی طراح به نمایش گذارده شده است. راه‌پله‌ای که از جناح شمالی، محوطه را به فضای روی بام متصل می‌کند ناظر را ابتدا در فضایی تاریک و فشرده محبوس می‌گرداند و به مرور که او را به سمت بالا هدایت می‌نماید از فشار و ظلمت کاسته می‌گردد تا سرانجام در آخرین پله قیدهای طرفین حذف شده و ظلمت جای خود را به نور مطلق می‌دهد. در فضای اصلی مقبره نیز غلبه روشنایی بر ظلمت را به گونه‌ای دیگر نظاره می‌کنیم. در بخش فوقانی هر یک از اضلاع چهارگانه این فضا، شش پنجره مربع شکل در زیر سقف قرار گرفته و نوردهی به فضای داخلی این بخش صرفاً از طریق این پنجره‌ها صورت می‌پذیرد. تناسب و اشکال به کار گرفته شده در طراحی این پنجره‌ها باعث می‌گردد که در زیر سقف در تمام اضلاع شاهد یک تشعشع نوارانی باشیم. به طوریکه گویی سقف بر گردن‌بندی از نور استوار گردیده و به صورت معلق جلوه‌گر می‌شود. با دقت در مجموعه آرامگاههای مشاهیر و بزرگان ایران به ندرت شاهد آنیم که فضای اصلی مقبره با فضاهای جنبی و پیرامونی محدود باشد و عموماً فضای اصلی مقابر اگر مستقیماً به فضای باز اطراف متصل نباشند، حداکثر توسط سطوح دیواره‌مانند از اطراف خویش منفک گردیده‌اند اما در آرامگاه بوعلی سینا این تفکیک نه با توده ساختمانی (دیوارها) که با فضا (تالار موزه و کتابخانه) صورت پذیرفته است. این موضوع تضاد نوری فضاهای داخلی را تشدید کرده و مهر تأییدی بر نمایش سیر از ظلمت به روشنایی یا از جهل به آگاهی رسیدن، که برگرفته از اندیشه و شخصیت علمی بوعلی می‌باشد به حساب می‌آید.

حکاکی قصبه هبوط بوعلی بر چهل قطعه سنگ سفید با خط ثلث و نصب آن در ارتفاع ۳/۵ متری فضای اصلی مقبره اوج تسلط سیحون را بر درک شخصیت بوعلی به نمایش می‌گذارد. قصبه عربی بوعلی که شرح هبوط انسان را به زبانی تمثیلی و همچون کبوتری بازمانده از اصل خویش بیان می‌دارد نقطه پایان این طراحی است. همانگونه که فیلسوف در قصبه خویش کبوتر را در اسارت جلوه‌گر می‌سازد، پیکر او نیز در سرانجام کار در بین پایه‌های دوازده گانه برج مرتفع که به داخل فضای مقبره امتداد یافته‌اند محبوس گردیده اما روح او چون کبوتر پر می‌کشد و به آنجایی باز می‌گردد که به آن تعلق دارد.

منابع:

- ۱- پوپ، آرتور، معماری ایرانی، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات فرهنگان، تهران، ۱۳۷۰ (چاپ دوم)
- ۲- پیرنیا، محمدکریم، شیوه‌های معماری ایرانی. تدوین: غلامحسین معماریان، نشر هنر اسلامی، تهران. ۱۳۶۹.
- ۳- سیحون، هوشنگ، نگاهی به ایران، ترجمه مرتضی سیفی قمی و فخرالدین حسینی تنکابنی، انتشارات یساولی (فرهنگسرا) تهران، بی تا.
- 4- [http/ www. Hamedan –ir. Com](http://www.Hamedan-ir.Com). (پایگاه اطلاع رسانی استان همدان)
- 5-Valade, jean, “Houshang Seyhoun. Half century of artistic activities in the world of art and Architecture” Sabco interests inc, Houston, 1998.
- ۶- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه فتح‌آ... مجتبابی، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۷۳، (چاپ پنجم)